

# زبان عامیانه و ترجمه آن

بیشتر آنها در این دو زبان یکسان می‌باشند اما بسامد کاربرد هر یک از آنها در این زبانها تحقیق جداگانه‌ای را نیاز دارد. اهمیت این شیوه‌ها را در دو دلیل می‌توان خلاصه کرد. نخست این که آشنایی با این شیوه‌ها برای شناخت و فهم واژه عامیانه در زبان مبدأ ضروری می‌نماید و دوم در مراحل مترجم ناگزیر از ساختن واژه یا اصطلاح عامیانه خواهد بود؛ ابزار ساخت و ابداع واژه عامیانه در زبان مقصد نیز همین شیوه‌های واژه سازی است.

در این بخش بیشتر به شیوه‌هایی می‌پردازیم که به نظر نگارنده ملموس تر و کارآمدترند، یا حداقل در یکی از دو زبان مورد استفاده بیشتری دارند. در ارائه این شیوه‌ها از مقاله "جهانی‌های معنایی در زبان عامیانه" نوشته استاد ارجمند آقای محمد علی مختاری اردکانی سود بسیار برده‌ام. این توضیح را نیز لازم می‌دانم که در ارائه این شیوه‌ها از مثالهایی استفاده شده که فهم آنها برای همگان ساده است و در نتیجه ممکن است از نظر بعضی خوانندگان محترم در زبان محاوره جای داشته باشند، هر چند همانطور که گفته شد مرز مشخصی بین این دو زبان وجود ندارد.

#### ۱.۲. اختصار (shortening/clipping)

میتسو: میتسویشی، کر تیم: نوکر تیم

sis: sister, reef: refrigerator, Frisco: San Francisco

#### ۲.۲. سر نام (acronym)

چمن: چاکر، مخلص، نوکر

D.O.A.: dead on arrival (بیماری که در زمان ورود به بیمارستان جان سپرده است)

N.B.T.: no big thing (مسأله کم اهمیت)

S.W.A.K.: sealed with a kiss (حروفی که بر روی پاکت نامه می‌نویسند)

A.W.O.L.: Absence without leave (ترک خدمت)

#### ۳.۲. تبادُل صدا<sup>۱</sup> (spoonerism)

صیز و مندلی: میز و صدلی، انیرو پنگور: پنیر و انگور

freak bast: breakfast, rape-tecorder: tape recorder

#### ۴.۲. بسط معنایی (Extension of the meaning of ordinary lexical item)

دوا: هروئین، آنتن: خیرچین، دوپینگ کردن: سیگار کشیدن

pot: marijuana (ماری جوانا), to needle: to annoy somene (اذیت کردن کسی)

horse: heroin (هروئین)

#### ۵.۲. اِرداف (kenning)

وزیر سلب آسایش: مادرزن یا مادر شوهر

headache department: a person who habitually causes problems (فرد مشکل ساز)

Ambassador of Moroco (سفیر مراکش): shoe maker (کفاش)

#### ۶.۲. آمیزش (blending)

وزارت کشاورزی: وزارت کشاورزی + ورزش، ژلیزر: ژیان + بلیزر

damager: damage+manager (رئیس که کاری جز خرابکاری ندارد)

۱- تبادُل صدا در علم زبان‌شناسی اشتباهی ناخود آگاه است اما در زبان عامیانه دیگر اشتباهی ناخود آگاه نیست بلکه به کارگیری عمومی تبادُل صدا برای اهداف گوناگونی از جمله بذله‌گویی، نکوگویی، زشت‌گویی و ... است.

alcohol holiday: alcohol + holiday

(روز تعطیلی که به مشروبخواری سپری شود)

۷.۲. دوگان سازی (reduplication)

عقش و پقش: خوشگذرانی، یللی تللی: تنبلی و بیهودگی

dilly-dally: to waste time

(هدر دادن وقت)

highly-tighty: quarrelsome

(دعوایی)

۸.۲. داده نام (nickname)

"داده نام نامی است که برای شوخی و یا خودمانی بودن به جای نام اصلی و یا علاوه بر آن روی شخص می گذارند" گاه این داده نام به شخص خاصی اطلاق می شود (داده نام خاص) برای مثال "حسین صافکار" (نامی که در جبهه های جنگ تحمیلی به صدام حسین به علت بمباران های متوالی و ویران (صاف) کردن مناطق غیر نظامی داده شده بود) و یا Richard Lionheart (ریچارد شیردل) و گاه این داده نام به افرادی از یک گروه اطلاق می شود. برای مثال:

آقا تقی: معتاد، اصغری: معتاد، فاطمه اره: زن بددهن و مراغه گر

Kiwi: New Zealander (نیوزیلندی) Jim: a fellow Blackman (سیاه پوست)

Mick: Irish person (ایرلندی)

داده نام برای اهداف گوناگونی استفاده می شود که برای نمونه به مواردی از آن در زبان فارسی اشاره می شود:

استهزا و تمسخر: شاهین بی بال و پر

خودمانی بودن: فری: فریدون، هوشی: هوشنگ، اکی: اکرم

اشاره به خصوصیات ظاهری<sup>۳</sup>: شهرام سبیل، محسن نی قیلون، تیمور لنگ

اشاره به خصوصیات روحی و شخصیتی: قاسم قشقرق، هوشی لوسه (هوشنگ لوس)، کاظم معرفت

اشاره به تمایل یا عدم تمایل به چیزی: علی پلویی، حسین سنجلی

تقسیم بندی های درون گروهی: ۱- شاه مهدی (بالا ترین فرد گروه) ۲- مهدی خان ۳- دایی مهدی ۴- داش مهدی

۵- مهدیک\* (پائین ترین فرد گروه، تازه وارد)

تحسین: حسن پلنگ، شهرام قرقی

نکوهش و ابراز انزجار: هاشم بی صفت، چنگیز سگ سبیل

بیان زمینه های شغلی: علی آشپز، اکبر بقال

۹.۲. طعنه (sarcasm)

نورعلی: کور، نجیب خانه: فاحشه خانه، زلف علی: کچل

shine: negro (سیاه پوست)، nun: harlot (فاحشه)

(dysphemisms)

bone shaker: automobile, shithouse: lavatory

در اغلب زشتگویی‌ها از دشواژه<sup>۱</sup> (taboo) استفاده می‌شود.

۱۱-۲. نکوگویی (euphemism)

امر شفاهی: تخلیه مثانه، امر کتبی: تخلیه معده

in birthday suit: naked

powder room: lavatory

۱۲-۲. تغییرات آوایی (phonological changes)

تغییرات آوایی یکی از شیوه‌های کارآمد در واژه آفرینی زبان عامیانه است که خود قابلیت دسته بندی و بحثی مفصل را دارد که در این مقاله نمی‌گنجد. با این توضیح که تغییرات آوایی می‌تواند برای اهداف گوناگونی چون استهزا، نکوگویی، زشت گویی، پوشیده گویی و ... مورد استفاده قرار گیرد. این تغییرات را به سه رشته کلی تقسیم می‌کنیم:

الف - کاهش آوا: بل: بله، البت: البته

bottie: the bottom, the buttocks

ب - افزایش آوا: عصبانی: عصبانی؛ (نهایت عصبانیت و داد و فریاد با گوشه چشمی به عرعر کردن الاغ)  
استشکال: اشکال

drinkies: drinks

ج - تبدیل و تغییر آوایی: عشق: عشق، تلیف: تلفن، ژغال: زغال، اوشان: ایشان

sheet: shit

در بعضی از این تغییرات آوایی هم واژه اصلی وهم واژه تغییر یافته مورد استفاده قرار می‌گیرد با این تفاوت که هر یک از آنها معنی متفاوتی را در بر می‌گیرند. برای مثال واژه "ژغال" به زغال معمه ل. اطلاق مر شده ه ا؛ "شیت" "sheet".

یا علاقه‌مند و وابسته به یک موضوع خاص به کار می‌رود و همه افراد اجتماع آن را نمی‌دانند و درک نمی‌کنند.<sup>۱</sup> برای مثال می‌توان از زبان حرفه‌ای رانندگان کامیون آمریکا نام برد که رادیویی مخصوص به نام (Citizen Band) CB نیز دارند. زبان حرفه‌ای این افراد شامل واژگان و کدهای عددی خاصی است که برای نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

motion-lotion: fuel

(سوخت)

fire-finger discount: stolen goods

(کالای دزدی)

grandma lane: slow lane

(جاده‌هایی که محدودیت سرعت دارند)

10-4: Message understood

(پیام دریافت شد، مطلب را گرفتم)

10-9: Repeat

(تکرار کن، دوباره بگو)

10-100: Stop at lavatory

(به توالت رسیدی توقف کن)

در زبان حرفه‌ای دو گروه از مفاهیم و اصطلاحات برجستگی خاصی دارند:

الف- اصطلاحات و مفاهیمی که از خارج از حیطه شغلی و تخصصی گرفته شده و به مسائل شغلی نسبت داده

می‌شود:

روی خط تهران- تبریز کارکردن: هروئین کشیدن (در بین معتادان)

doughnuts: tyres

(در بین رانندگان آمریکایی)

ب- اصطلاحات و مفاهیم شغلی که به مسائل بیرونی نسبت داده می‌شود.

فیوزپراندن: عصبانی شدن (در بین کسانی که با برق و الکتریسیته سروکار دارند)

سوختگیری کردن: غذا خوردن (در بین رانندگان)

ضربه فنی کردن: شکست دادن، حل کردن قطعی مشکل (در بین کشتی‌گیران)

fifth wheel: an extra and unneeded person (شخص بی مصرف و زیادی، سرخر (در بین رانندگان))

۲.۳. زبان آرگو (argot, cant, speech disguise)

"زبان آرگو به واژگان اختصاصی اطلاق می‌شود که گروه‌های غیر قانونی به منظور حفاظت از اعضای خود به

کار می‌برند. این گروه‌ها شامل جنایتکاران، کلاهبرداران، تروریستها، ولگردان خیابانی، اقلیت‌های محروم

اجتماعی و مذهبی ... می‌باشند."<sup>۲</sup> در این زبانها هدف هرچه نامفهوم‌تر کردن و پوشیده‌گویی مکالمات درون

گروهی است و بدین منظور معمولاً مکالمات شامل کدگذاری و کدگشایی (coding & decoding) مفاهیم

مختلف است. مثلاً در نمونه‌ای از زبان آرگو واژه "ماشین تایپ" به جای واژه "تفنگ" استفاده می‌شده است و

واضح است که بجز طرفین مکالمه دیگران پی به موضوع مکالمه نمی‌برده‌اند.

برای زبان‌شناسان تحقیق و پژوهش در مورد زبان آرگو چندان مطلوب نیست، نخست اینکه شخص پژوهشگر در

معرض تعرض آنان قرار خواهد گرفت و دوم اینکه کشف کدگذاری‌ها و پوشیده‌گوییهای یک گروه دارای ارزش

علمی بالایی نیست و با سیر تغییرات تدریجی و طبیعی یک زبان نیز ارتباطی ندارد.

#### ۴- اصول و روش ترجمه زبان عامیانه

در ترجمه زبان عامیانه ابتدا توجه به این موارد پیشنهاد می‌شود:

۱.۴. تعیین نوع زبان عامیانه متن: در تعیین نوع زبان عامیانه و ایجاد طرحی مناسب و هماهنگ با آن در زبان مقصد توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد. آیا از زبان حرفه‌ای در متن استفاده شده است و در صورت مثبت بودن جواب، میزان استفاده از این واژگان چقدر است؟ آیا پوشیده‌گوییهای زبان آرگو در آن جایی دارد؟ در صورت وجود این گونه رمزگذاریها در متن، مترجم ملزم به رعایت آن در ترجمه و رمزگشایی آن درست به شیوه نویسنده است. چه بسا داستانهایی که پیرنگ (plot) آنها بر اساس یک کدگذاری در ابتدای داستان و کدگشایی آن در پایان داستان طرح ریزی شده باشد. تا چه میزان از دشواژه‌ها در آن استفاده شده است؟

در مورد دشواژه‌ها ذکر دو نکته ضروری است: الف- واژه ممکن است در فرهنگ و زبانی خاص واژه‌ای معمولی و در زبان و فرهنگ دیگر دشواژه محسوب شود. برای مثال واژه "takka" به معنی "قورباغه‌ها" در میان سرخپوستان زونیایی (Zuni Idnians) دشواژه است حال آنکه در فرهنگ‌های دیگر چنین نیست.

ب- بسیاری از واژه‌هایی که امروزه دشواژه محسوب می‌شوند سالیانی قبل "واژه‌نکوگویی" بوده‌اند که برای رفع نیاز ارتباطی جامعه در ذکر "مفاهیم حرام یا دشواژه" به کار می‌رفته‌اند و بتدریج خود به دشواژه تبدیل شده‌اند، برای مثال واژه "مسترخ" سالیانی قبل برای جایگزینی دشواژه قبلی به کار گرفته شده که خود پس از چندی به علت زیادی استفاده به دشواژه تبدیل شده و واژه نکوگویی دستشویی و توالت آن را کنار زده است. پس در نتیجه در ترجمه دشواژه‌ها ضمن رعایت شرایط اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... جامعه زبان مقصد، نخست باید دشواژه‌ها را در دو زبان بررسی کرد. پس از آن، زمان نگارش یا وقوع متن اصلی و وضعیت دشواژه مورد بحث در آن زمان را در نظر گرفت.

۲.۴. تشخیص و تمایز نوع زبان عامیانه مورد استفاده هر یک از شخصیت‌های داستان: یکی از ابزارهای مهم شخصیت‌پردازی در داستان‌سازی، گفتار هر شخصیت است که جلوه‌گر کنش و منش اوست. مترجم باید به نوع واژه عامیانه مورد استفاده هر یک از شخصیت‌های داستان و ترجمه هماهنگ آن توجه کند تا شخصیتی جدید و متفاوت با متن اصلی خلق نکند.

۳.۴. توجه به زمان نگارش یا وقوع متن و وضعیت واژه مورد نظر در آن زمان: همانطور که قبلاً توضیح داده شده عمر واژه‌های عامیانه بسیار کوتاه است و پس از مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند و یا به زبان محاوره یا رسمی راه می‌یابند. برای مثال مترجمی که یک متن انگلیسی مربوط به دوست سال پیش را ترجمه می‌کند و به واژه "piano" بر می‌خورد باید بداند که در آن زمان "piano" واژه عامیانه‌ای بوده که با استفاده از شیوه اختصار از واژه رسمی "pianoforte" گرفته شده است. در این مورد فرهنگ‌های ریشه‌شناختی (etymological dictionaries) راهنمای خوبی برای مترجم هستند.

۴.۴. عدم لزوم وجود ارتباط یک به یک بین اجزای جملات: برای ایجاد زبان عامیانه روان و منسجم حتماً لازم نیست که ارتباطی یک به یک بین اجزای جملات زبان مبدأ و مقصد وجود داشته باشد. برای مثال جمله انگلیسی "They nailed him" را که در آن فعل عامیانه مورد استفاده قرار گرفته می‌توان به "انداختنش توی هلفدونی" ترجمه کرد که در آن از اسم عامیانه استفاده شده است.

#### ۵- معادل یابی واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه

برای معادل‌یابی واژه‌های عامیانه در زبان مقصد روش و مراحل زیر پیشنهاد می‌شود:

در صورت امکان از واژه‌ها و اصطلاحاتی با معنی تحت‌اللفظی (literal meaning) و معنی مجازی

(figurative meaning) یکسان استفاده می‌کنیم.

blow a fuse	فیوز پراندن	(عصبانی شدن)
He is a brain.	او مخی است.	
eighteen wheeler	هیجده چرخ	(تریلر)

در صورت وجود نداشتن واژه‌ها و اصطلاحاتی بامعانی تحت اللفظی و مجازی یکسان از واژه‌ها و اصطلاحاتی بامعانی مجازی یکسان اما معانی تحت اللفظی متفاوت استفاده می‌کنیم.

I'll eat my hat!		ریش و سیبلم را می‌تراشم!، اسمم را عوض می‌کنم!
white elephant	سرخر	

در صورتی که واژه‌هایی بامعانی مجازی یکسان و معانی تحت اللفظی متفاوت نیز وجود نداشته باشد، به جای واژه عامیانه، واژه‌ها و اصطلاحاتی محاوره‌ای (colloquial) به کار می‌بریم مثلاً برای "Gang way" از "راه بدین" یا "راهو بازکنین" استفاده می‌کنیم.

در مرحله بعد می‌توانیم از ترجمه تحت اللفظی واژه عامیانه و توضیح آن در پانویس استفاده کنیم. برای مثال "sixty- four- dolar question" را "سؤال ۶۴ دلاری" ترجمه کرده، در پانویس توضیح می‌دهیم که منظور از سؤال مهمی است که همه مایل به دانستن جواب آن هستند.

در مرحله آخر مترجم می‌تواند به ابداع و آفرینش واژه عامیانه مناسب با متن دست زند. برای مثال برای "elevator music" که یک نوع موسیقی آزار دهنده و کسل کننده است که در آسانسورها پخش می‌شود و نمادی برای هر نوع موسیقی آزار دهنده شده است می‌توان از روش آمیزش و ادغام استفاده کرد و موجیقی (موسیقی + جیغ) را جایگزین آن کرد.

در ابداع و آفرینش واژه، مترجم باید توجه به مقبولیت اجتماعی، مذهبی و فرهنگی واژه، فهم و درک آن توسط خوانندگان<sup>۱</sup> و ارتباط و همخوانی آن با فضای حاکم بر متن و شخصیت‌های موجود در آن بنماید.

## ۶- ترجمه زبان حرفه‌ای

۱- در این مقاله به بررسی و ترجمه واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای در متون ادبی و روزانه پرداخته شد.

صورتی که در همان حرفه و در زبان مقصد اصطلاح یا واژه معادلی وجود نداشته باشد به ترتیب جایگزینی واژه عامیانه خنثی (از نظر شغلی)، اصطلاح یا واژه محاوره‌ای، ترجمه و توضیح آن و در نهایت ابداع و آفرینش واژه عامیانه شغلی و یا واژه عامیانه پیشنهاد می‌شود.

#### کتابنامه

- Crystal, David, *The Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge University Press, New York, 1989.  
 Crystal, David, *An Encyclopedic Dictionary of Language & Languages*, Blackwell Publishers, UK, 1992.  
 Falk, Julia S., *Linguistics & Language*, John Wiley & Sons, inc. USA. 1978.  
 Fromkin, Victoria & Rodman, Robert, *An Introduction to Language*, fourth edition, The Dryden Press, USA, 1988.  
 Green, Jonathon, *The Dictionary of Contemporary Slang*, Pan Books Ltd. , London, 1984.  
 Partridge, Eric, *Dictionary of Slang & Unconventional English*, 2 vols, 7th edition, Routledge & Kegan Paul, 1970.  
 Spears, Richard A. , *NTC's Dictionary of American Slang & Colloquial Expressions*, NTC Pulishing group, Chicago, 1989.

افشاری، جهانگیر، فرهنگ کوچک، ناشر مؤلف.

داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۱

مختاری اردکانی، محمدعلی، جهانی‌های معنایی در زبان عامیانه، ارائه شده در دومین کنفرانس زبان شناسی.

همایون، همدخت، واژه‌نامه زبان شناسی و علوم وابسته، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۲.